اعلامیهٔ توضیحی
سازمان چریکهای فدائی خلق
در رابطه با

انفجار پایگاه گروهان ژاندارمری لاهیجان
(مرکز پاسگاه ژاندارمری سیاهکل)

در شامگاه روز نوزده بهمن ۵۳ سالروز رستاخیز سیاهکل و درست در همان لحظه ای که عملیات تهاجمی دستهٔ جنگل از سازمان چریکهای فدائی خلق به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل در ۱۹ بهمن ۴۹ آغاز گردیده بود، پایگاه ژاندارمری لاهیجان (مرکز پاسگاه ژاندارمری سیاهکل) توسط یک واحد از رزمندگان سازمان چریکهای فدائی خلق مورد نفوذ قرار گرفت و به دنبال آن در ساعت ۲۲ همانروز انفجار مهیبی این پایگاه را متلاشی ساخت.

طبق اطلاعات رسیده، بر اثر این انفجار، چند خود روی دشمن از کار افتاده و به ساختمان پایگاه خسارات جدی وارد آمده است و هم چنین چند مزدور کادر از نیروهای دشمن مجروح گشته اند. واحد عملیات نفوذی بعلت نیرومند زمانی را طوری کار گذاشته بودند که به مردم شهر خسارت و صدمه ای وارد نیامد و هم چنین به سربازان وظیفه ایکه در پایگاه بسر میبردند آسیبی نرسید. به دنبال این عمل، عملیات دیگری در تهران، مشهد و بابل به ترتیب زیر انجام شد.

۱. انفجار پاسگاه ژاندارمری سلیمانیه در تهران در ساعت ۲۱/۱۰ شامگاه روز ۱۹ بهمن.
۲. انفجار استانداری خراسان در ساعت ۱۹/۳۰ شامگاه ۲۱ بهمن.
۳. انفجار شهربانی بابل در ساعت ۲۰/۳۰ شامگاه ۲۲ بهمن.

این عملیات به منظور بزرگداشت نوزده بهمن ۴۹، روز رستاخیز سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانهٔ خلق ایران صورت گرفت و کلیهٔ واحدهای عمل کننده به سلامت به پایگاههای خود بازگشتند.

www.iran-archive.com

** کارگران ، دهقانان ، روشنفکران آزادیخواه و کسبهٔ شریف گیلان !

۱۹ بهمن ۵۳ آغاز پنجمین سال جنبش نوین انقلابی خلق ایران است . چهار سال پیش ، در چنین روزی مرکز ژاندارمری سیاهکل که مورد نفرت عمیق اهالی روستائی منطقهٔ سیاهکل و دیلمان بود و نشانهٔ بارز ستمگری رژیم شاه خائن در منطقه محسوب میگردید ، بر طبق یک برنامه ی تدارک شده ، از جانب " دستهٔ جنگل " سازمان ما مورد حمله قرار گرفت و بدینسان آتش نبرد مسلحانه از زیر خاکستر سرد سالها رکود و تسلیم سر بیرون آورد و نقطهٔ پایانی بر افسانهٔ " ایران ، جزیرهٔ ثبات و آرامش " که مبین اسارت خلق ما به وسیلهٔ شاه مزدور بود ، نهاد شد . عملیات " دستهٔ جنگل " طبق طرح پیش بینی شده در شامگاه روز نوزدهم بهمن آغاز گردید . رفقای ما پس از سوار شدن به یک مینی بوس و پخش اعلامیه در بین مسافران آن ، خود را به سیاهکل رسانیدند و پاسگاه ژاندارمری ، این مرکز ستم به دهقانان را مورد حمله قرار دادند و پس از اعدام مسئول پاسگاه موجودی اسلحه خانهٔ آنجا را بنام خلق زحمتکش ایران تصاحب نمودند ، و بسمت جنگل عقب نشینی کردند . طبق برنامه های قبلی قرار بود که " دستهٔ جنگل " بعد از انجام عملیات خود از منطقه دور شود ولی در آخرین روزهای قبل از عمل رفقا تصمیم میگیرند برای آشنائی بیشتر با منطقه ، تا چند روز بعد از عملیات در محل باقی بمانند .

رفقای دستهٔ جنگل فکر میکردند که در روزهای اول دشمن نیروهای زیادی به منطقه اعزام نخواهد کرد ولی بر خلاف این نظر رفقا ، دشمن که از حمله به پاسگاه سیاهکل به طرز بی سابقه ای وحشت زده شده بود با تمام امکانات خود وارد اقدام شد و زبده ترین قوای ژاندارمری از سایر نقاط کشور به سیاهکل خوانده شدند و آنها تحت نظارت ستادی که مستشاران آمریکائی در آن عضویت داشتند بعملیات پرداختند ، دهها هلی کوپتر نظامی ساخت آمریکا

www.iran-archive.com

در اطراف منطقه به پرواز در آمدند و هزاران مزدور بسیج شدند تا به مقابله با عشایر رزمنده و انقلابی بپردازند. بدین ترتیب، رزمندگان جنگل بخاطر اشتباهی که مرتکب شده بودند، چند روز پس از حمله به پاسگاه سیاهکل با پیشتازان دشمن درگیر شدند. رفقا آنها را در هم کوبیدند و به قلب جنگل عقب نشستند، ولی همین درگیری علی رغم اینکه در آن پیروزی نصیب مبارزین گردید، موجب شد که موضع تقریبی "دسته" جنگل "برای دشمن مشخص شود. اینبار دشمن با توانی بسیار از زمین و هوا به محاصره دست زد و چند روز بعد نبردهای اصلی سیاهکل آغاز گردید که تا اوائل بهمن و اوایل اسفند ادامه داشت. این نبردها تماما در شرایط بسیار دشواری انجام میگرفت. رفقا علی رغم تمام دشواریهای طاقت فرسا به نبرد ادامه میدادند تا فریاد رزمندگیشان هر چه بیشتر به سراسر کشور برسد و توده های خلق را از مبارزه ای که توسط پیشگامانش آغاز گشته است با خبر سازد.

"دسته" جنگل "گرچه از لحاظ نظامی دچار شکست شد اما از لحاظ سیاسی تأثیرات وسیعی در سراسر کشور ایجاد نمود و نقطه آغازی برای حرکت نیروهای انقلابی جامعه گردید. در واقع رزمندگان سیاهکل در تحقق این هدف خود به موفقیت چشم گیری دست یافته و نبرد دلیرانه آنها و قاطعیت و ایمانشان به مبارزه ای که آغاز کرده بودند، فضای سیاسی جامعه ما را دگرگون کرد، به ویژه آنکه شعله های نبرد رهائی بخش خلق که در سیاهکل افروخته شد هرگز خاموش نگردید و جنبشی که در جنگلهای گیلان آغاز شده بود با نبردهای سایر نیروهای چریکی و مبارزات نیروهای آزادیخواه در سایر نقاط کشور پشتیبانی شد و همچنان ادامه یافت. دشمن به دنبال حمله به پاسگاه سیاهکل و دستگیری رفقای رزمنده" جنگل و سرانجام اعدام آنها چهره" واقعی خود را به خلق نشان داد. شکنجه و زندان و اعدام که پاسخ همیشگی شاه جنایتکار به همه" رزمندگان راستین بوده از جنبش سیاهکل به بعد در آنچنان ابعادی انجام میگیرد که تا به حال سابقه نداشته است. زندانها از مبارزین پرشده و دیگر برای نگهداری

www.iran-archive.com

آنان کافی نیست. پیکر فرزندان مبارز خلق به سبعانه ترین شکل ممکن شکنجه می شود و تعداد اعدام شدگان که دلیرترین فرزندان خلق ما هستند هر روز که میگذرد رقم بزرگتری را تشکیل می دهد. از طرف دیگر رژیم با تبلیغات مسموم کننده ای که در مورد چریکها و دیگر مبارزین، از رستاخیز سیاهکل به بعد انجام داده، تلاش می کند تا توده های زحمتکش میهن ما را درباره ماهیت عملیات انقلابی چریکها به گمراهی بکشاند. ولی همه اقدامات رژیم جنایتکار شاه تا به حال درست در خلاف جهت خواسته های آن عمل کرده است. روی آوردن دهها گروه و سازمان به مبارزه مسلحانه که هر روز بر تعداد آنها افزوده میشود خود بهترین پاسخ به آنهمه دد منشی و سفاکی رژیم شاه خائن است و بهترین دلیل بر درست بودن راهی است که سازمان ما آغاز نموده و در شرایط خفقان پلیسی با جانبازی پیشگامانش ادامه داده و تا پیروزی نهائی آن را دنبال خواهد کرد. توده های زحمتکش مردم ما نیز هر روز که میگذرد بیشتر به ماهیت عملیات انقلابی چریکها پی میبرند و با تأیید و پشتیبانی خود تبلیغات زهرآگین رژیم را بی اثر میسازند.

در برپا کردن جنبش نوین انقلابی ایران و تثبیت موقعیت آن، مبارزین گیلانی بویژه فرزندان دلیر لاهیجان نقش برجسته ای ایفا کرده اند. رفقای ارزنده ای چون غفور حسن پور، هوشنگ نیری، رحمت الله پیرو نذیری، اسکندر رحیمی، منوچهر بهائی پور، اسد الله بشر دوست که هر یک در پیشبرد هدفهای سازمان ما مردانه کوشیده اند و شهید شده اند، همگی از مردم لاهیجان بوده اند. از دیگر شهرهای گیلان نیز سازمان ما اعضای مبارز و دلیری داشته است، مانند رفیق احمد زیبرم و رفیق بهمن آژنگ از پهلوی و رفیق هادی بنده خدا لنگرودی از لنگرود که همگی در راه رهائی خلق پاکبازانه جان خود را باخته اند. خاطره این فرزندان رزمنده گیلان همیشه در یادها زنده خواهد بود. از گیلان انقلابیون راستین دیگری در این سالها پا خواسته اند که بنوبه خود در پیشبرد مبارزه مسلحانه خلق ما موثر

www.iran-archive.com

بوده اند و با زندگی خود بهترین درسها را به مبارزین جوان داده اند ، مانند رفیق رزمنده فریدون نجف زاده از رشت که در اواخر اسفند سال ۴۹ در جریان محاصره یک بانک دستگیر و مردانه شکنجه های جلادان شهربانی و ساواک را تحمل نمود ولب به سخن نگشود و شهید گشت ، رفیق سید باقری از رشت که در مهر سال ۵۲ در سایان به شهادت رسید . رفیق خسرو گلسرخی از رود سر که دلیرانه در دادگاههای فرمایشی شاه در زیر سایه سر نیزه دست به افشای جنایات رژیم زده و بدست مزدوران دشمن شهید گشت . همهٔ این رفقا در زمره نمونه های درخشان مبارزان انقلابی خلق ما هستند و جنبش انقلابی خلق ما همواره یاد این رزمندگان راگرامی خواهد داشت . گذشته از این رفقا ، در طول چند سال گذشته صدها نفر از مبارزین گیلان توسط مزدوران شاه بازداشت و شکنجه و زندانی شده اند . محافل و گروههای زیادی در چهار سال گذشته که عموما در رشایید مبارزهٔ مسلحانه قدم بر میداشتند دستگیر شده و یا ضرباتی به آنان وارد آمده . روی آوری اینهمه نیرو به مبارزه ، نشانهٔ شکوفائی مبارزهٔ انقلابی در گیلان بعد از جنبش سیاهکل است . این مبارزان درعین حال توانستند بابه آتش کشیدن طاق نصرتها ، فرمانداری و شهربانی و شعارنویسی و پخش اعلامیه ، در ایجاد یک فضای سیاسی در منطقهٔ گیلان تأثیر سازنده ای داشته باشند . علی رغم همهٔ این ضربات ، روز بروز نیروهای بیشتری از جوانان گیلان وارد صف مبارزه میشوند . این نیروها باید سعی نمایند با کسب تجربیات گروهها و سازمانهای دیگر هوشیارانه تر قدم بردارند تا ضربات بیشتری به دشمن وارد سازند . ما ایمان کامل داریم که رزمندگان جوان گیلان از این پس با استواری و هوشیاری بیشتر راه رفقای دلیر خود را ادامه خواهند داد . رفقای ما (دستهٔ جنگل) چون قصدشان از حمله به پاسگاه تبلیغ راه مبارزه مسلحانه در سطح جامعه و رساندن فریاد مبارزاتی شان بگوش خلق و عناصر آگاه بود ، گیلان را بخاطر شرایط ویژه اش از قبیل داشتن امکان ارتباط زیاد مابین روستاها و شهرها ، همچنین ما بین خود منطقه و مرکز (تهران) ، داشتن موقعیت مناسب طبیعی یعنی جنگل و کوه و علاوه براین به خاطر آگاهی بی که مردم بطور نسبی در مورد مسایل

www.iran-archive.com

سیاسی و اجتماعی دارند ، انتخاب کردند ، تا دشمن نتواند مانع جدی در راه رسیدن خبر-های عملیات در سطح کشور ایجاد نماید ، و موفق به منزوی کردن جنبش مسلحانه خلق گردد ، زیرا در پاره ای از نقاط کشور جنبش های مسلحانه ای که آغاز گشته بود بخاطر نداشتن شرایط مناسب مانند منطقهٔ گیلان کاملا منفرد مانده نتوانست در حرکت عمومی نیروهای مبارز میهن ما تاثیر چشمگیری بگذارد .

سازمان ما با بررسی اوضاع اقتصادی ـ اجتماعی و تاریخچهٔ مبارزات گذشته خلق به این نتیجهٔ درست رسیده است که برای درهم کوبیدن رژیمی که کوچکترین قدمی در جهت منافع توده های زحمتکش برنداشته و تمام نیروهایش در جهت استثمار و غارت روز افزون کارگران و دهقانان میهن ما صرف میشود و هرگونه صدای حق طلبانه ای را با شدیدترین شیوه های ممکن سرکوب میکند ، راهی جز مبارزهٔ مسلحانه وجود ندارد . طبقهٔ حاکم جامعه که زندگی اش بر پایهٔ بهره کشی از اکثریت زحمتکش و ظلم وستم استوار است ، سعی میکند در مواردی با پاره ای نقشه ها و یا انجام اصلاحات ، توده های زحمتکش را فریفته و به این ترتیب عمر ننگین خود را طولانی تر کند ولی این حیله ها ماهیت ضد خلقی خود را زود آشکار نموده و مردم زحمتکش ما در می یابند که مشکلات اساسی آنها در شرایط حکومت رژیم شاه حل نخواهد شد و آنها در چنین شرایطی از حقوق انسانی خویش محروم خواهند ماند . نمونهٔ روشن این برنامه ـ ها را میتوان در انقلاب سفید شاه خائن دید . تا قبل از اصلاحات ارضی دهقانان در چار چوب بهره کشی ارباب رعیتی زندگی میکردند و مالکان ، بخصوص مالکان بزرگ که از خانواده ـ های درباری اعوان وانصار آنها تشکیل میشدند بدون آنکه هیچگونه تماسی با زمین داشته باشند ، انگل وار از حاصل کار دهقانان زحمتکش در کمال رفاه زندگی میکردند . دهقانان گیلان عموما ثلث وحتی نصف محصول خود را بعنوان مال الاجاره می بایست به ارباب می پرداختند و علاوه بر این میبایست هرسال مقداری ماست وکره و مرغ وتخم مرغ و جگول وغیره تقدیم مالک میکردند . بیگاری نیز یکی از ستم های رایج اربابان برکشاورزان زحمتکش محسوب میشد . این

روابط تنگین که در طول قرنها بر جامعه ما حاکم بود همیشه از حمایت کامل دولتها برخوردار بوده است . شاه خائن که خود بزرگترین مالک کشور محسوب میشد تا سال ۴۱ با تانک و ژاندارمری و سایر دستگاههای سرکوب اش بیشرمانه از منافع اربابان دفاع میکرد و هر گونه اعتراض دهقانی رنجبر را با سرنیزه و گلوله پاسخ میداد . نظام فئودالی (ارباب ـ رعیتی) که قرنها بر جامعه ما حکومت می کرد به آنچنان حدی از پوسیدگی رسیده بود که کاملا بصورت سدی در مقابل رشد سرمایه داری وابسته به بیگانگان ، قرار گرفته بود . سرمایه داران وابسته به استعمارگران آمریکائی و انگلیسی که در دهه قبل از سال ۴۰ در ایران رشد کرده بودند در اواخر این دهه منافعشان کاملا با نظام ارباب ـ رعیتی حاکم اصطکاک پیدا کرد ، آنچنانکه در نتیجه این امر ، در این زمان یعنی از سال ۳۸ به بعد ، بحران سختی در اقتصاد ایران بوجود آمد . ورشکستگی بسیاری از سرمایه داران وابسته ، تعطیل کارخانجات و رکود عمومی اقتصادی در کل کشور معلول این شرایط بود . برای درمان این وضع و همچنین به این خاطر که ادامه این بحران نمیتوانست تودههای زحمتکش جامعه ، بالاخص دهقانان را بسوی قیام علیه این شرایط سوق دهد ، سرمایه داری وابسته را بر آن داشت که در فکر چاره باشد . در نتیجه سرمایه داران که در دستگاه حاکم سالها شریک مالکان محسوب میگردیدند و همچنین سرمایه داران خارجی ، بالاخص آمریکائی که با این سرمایه داران در داخل رابطه نزدیک داشتند ، راه حل را در برهم زدن روابط ارباب رعیتی و باز کردن راه برای سرمایه گذاری در زمینه های مختلف صنعتی ، معدنی و کشاورزی دانستند . در حالیکه تاقبل از سال ۴۱ سرمایه های عمده اساسا در زمینه بازرگانی سرمایه گذاری میشد . شاه خائن و درباریان که قبلا زمینهای خود را فروخته وخود را آماده تغییر دادن روابط تولیدی در جامعه کرده بودند در پیشاپیش سرمایه داران وابسته به بیگانه قرار گرفته و طرح اصلاحات ارضی را که در جهت همین برنامه بود پذیرفته و به اجرای آن پرداختند . باین ترتیب شاه خائن که روزی بزرگترین مالک زمین در ایران بود به بزرگترین سرمایه دار ایران تبدیل گشت و همچنین به تمام فئودالهای بزرگ این امکان را داد

که با فروش زمینهای خود به دهقانان و استفاده از سرمایهٔ حاصل از آن در بخش صنعت و کشاورزی سرمایه گذاری کرده و به سرمایه دار تبدیل شوند. بدین ترتیب اگر ستمگران در گذشته در قالب مالک و فئودال مردم بیگناه و بی پناه را میچاپیدند، پس از اصلاحات ارضی در لباس سرمایه دار، مأموران بانکها و شرکتها و مأمور دولت به غارت مردم مشغول شدند. در یک اصلاحات ارضی واقعی حق استفاده از زمین باید بدون قید و شرط و بدون پرداخت پول به دهقانان یعنی کسانیکه روی زمین کار میکنند تعلق بگیرد، در حالیکه در اصلاحات ارضی دروغین شاه اولا بازاء دادن زمین به عده ای از دهقانان مبالغ سنگینی از آنها پول گرفتند و ثانیا بهترین زمینها را برای مالکان گذاشتند و زمین های نامرغوب و کم آب و یا بدون آب را به دهقانان واگذار نمودند. دولت مزدور شاه علاوه بر گرفتن قطعه زمین و پول آب و برق صدی ۲ همسران دهات از روستائیان با دادن وام از طریق بانک کشاورزی و شرکتهای تعاونی دهقانان را در مخمصه ای قرار میدهد که خلاصی از آن به سادگی برای آنان ممکن نیست. این وامها که عموما مقدارشان کم است مشکلات اساسی دهقان را حل نمیکند. بهرهٔ این وامها ظاهرا نازل است ولی چون طنابی هر دم حلقوم دهقانان گیلان را بیشتر میفشارد و آنهارا به فقر و درماندگی سوق میدهد. اما اگر دولت شاه به دهقانان این همه ستم روا می دارد، در مقابل با جدیت تمام به سرمایه داران خدمت می کند. این دولت با ساختن سدها و کانالها و جاده های مختلف در گیلان بسرعت مشغول آماده کردن زمینهای کشاورزی برای تحویل دادن به سرمایه داران است. دولت احتمالا در پاره ای نقاط دست به ایجاد شرکتهای سهامی زراعی نیزخواهد زد ولی نه در این مورد و نه در هیچ مورد دیگری منافع انسانهائی که سالها بر روی زمین های زراعتی رنج کشیده اند مورد نظر قرار نمیگیرد. بلکه هر روز که می گذرد عدهٔ بیشتری از دهقانان مجبور می شوند زمین خود را رها کنند و به کارگر روز مزد تبدیل شوند. دولت مزدور شاه با دادن وامهای کلان با بهرهٔ کم و یا بدون بهره و ساختن سد و کانال و جاده و صاف کردن زمینها بطور مجانی برای سرمایه داران و صاحب منصبان دولتی، ماهیت ضد خلقی خود را

www.iran-archive.com

هر چه بیشتر برای دهقانان زحمتکش گیلان آشکار میکند . دهقانان بتدریج در می یابند که اصلاحات ارضی صرفا مقدمهٔ نفوذ سرمایه داری به روستاهای گیلان بوده است . در جریان این برنامه ها که هنوز اوایل کارش را در گیلان میگذراند باز هم رژیم شاه مزدور ماهیت ضد دهقانی ـ اش را بر کشاورزان گیلانی آشکار کرده است . رژیم در کمال وقاحت هر جا که زمینهای دهقانان با شبکه های آبرسانی و جاده سازی ای که برای دعوت سرمایه داران به روستاهای گیلان ساخته میشود برخورد میکند همان زمینی که خود متر مربعی ۶ ریال به دهقانان فروخته است ، متری ۳ ریال از او میخرد ، یعنی نصف مبلغی که خود در حال حاضر به صورت قسط زمین از دهقانان میگیرد . تازه همین متری ۳ ریال نیز عموما به دهقانان پرداخت نمیشود و به عنوان ماندهٔ وامها و یا قسط زمین دهقانان حساب می شود . دولت مزدور شاه همیشه در طول سالها از ژاندارمری بعنوان مهمترین ابزار سرکوب دهقانان استفاده کرده است . قبل از اصلاحات ارضی با هرگونه تأخیر در پرداخت مال الاجاره سر نیزهٔ ژاندارمها بر گلوی دهقانان قرار میگرفت . کتربن اعتراض دهقانان به نظام ننگین ارباب رعیتی را این ابزار سرکوب شاه ، به دستور مالکان ، با شکنجه و زندان و گلوله پاسخ میداد . بعد از اصلاحات ارضی نقش سرکوب کنندهٔ ژاندارمری گسترش وسیعی یافته است . هر گونه تأخیر در پرداختن پول آب و برق ، وام شرکت تعاونی و بانک کشاورزی (که بخاطر بدهکاری دهقانان زحمتکش به نزولخواران و دادن قسط زمین گرفته اند) وموارد دیگر سبب دخالت ژاندارمری می شود . ژاندارمری چون اجل معلق بالای سر دهقانان رنجبر گیلان ایستاده است و بعنوان حافظ منافع دولت مزدور شاه و سرمایه داران اجرای وظیفه میکند . دهقانان زحمتکش گیلان باید با هوشیاری مراقب برنامه های ضد دهقانی رژیم شاه خائن باشند و با وحدت با هم جلوی این نقشه ها و ستمهائی را که به شکلهای مختلف بر آنان وارد میشود بگیرند . ما همواره از حرکت دهقانان برای کسب حقوق حقه شان پشتیبانی می کنیم و در این راه از هیچگونه تلاشی فروگذار نخواهیم کرد . کارگران زحمتکش گیلان نیز در سالهای اخیر ستم سرمایه داری را بیش از پیش احساس میکنند . شاه خائن که

www.iran-archive.com

به خیال خودش برای فریفتن کارگران ، بعد از انقلاب سفید برنامه های رنگارنگی مانند باصطلاح "سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات" و "فروش سهام کارخانجات" به آنان ترتیب داده بود اکنون شاهد رشد کمی وکیفی طبقهٔ کارگر میهن ماست . طبقهٔ کارگر باشناخت ماهیت این حیله های ننگین هر روز بیشتر به حقوق خود آگاهی می یابد . بعد از انقلاب سفید سرمایه داران با استفاده از شیوه های مدرن تولید و ماشینی کردن هر چه بیشتر کار به استثمار وحشیانهٔ کارگران پرداخته اند . این روشها باعث فرسودگی سریع کارگران وسبب شیوع انواع بیماری در آنان میگردد . استفاده از کار ارزان زنان کارگر نیز یکی از روش های بیشرمانه ایست که سرمایه داران برای بهره کشی هر چه بیشتر از مردم زحمتکش کشور ما مورد استفاده قرار می دهند . سرمایه داران در عین حال سعی می کنند بیشرمانه از وجود کارگران زحمتکش زن در کارخانه در جهت های دیگر نیز بهره برداری نمایند و وقیحانه در جهت شیوع فساد و روابط ناسالم در بین کارگران تلاش می کنند تا اینکه این توده های رنجبر واقعیت های سخت زندگیشان را باصطلاح فراموش کنند و بطور جدی در مورد آنها نیندیشند و در نتیجه به مبارزه با نظام سرمایه داری برنخیزند . وضعیت کارخانهٔ توشیبای رشت و کفش ملی در این زمینه میتواند نمونهٔ خوبی باشد .

کارگران گیلان در دو سال اخیر حرکت هائی را برای کسب حقوق خود شروع کرده اند . جنبشهای خودبخودی و مطالباتی کارگران با آنکه ابتدائی ترین مراحل خود را میگذرانند نشانهٔ نیاز کارگران گیلان به مبارزه برای کسب حقوق پایمال شده شان میباشد . بعنوان نمونه می توان از اعتصاب کارگران وزارت آب و برق در رشت و اعتصاب کارگران معدن سنگرود نام برد . این اعتصاب کارگری در تابستان امسال (۵۳) بوقوع پیوست و با هم بستگی کارگران به پیروزیهای نسبی نایل آمد . با این همه رژیم شاه بمنظور حفظ فضای خفقان بار برای کارگران و جلوگیری از بارور شدن امیدهایشان ۳۰ تن از کارگران معدن سنگرود واقع در عمارلوی رودبار را که در استخدام سازمان ذوب آهن میباشند به زندان کشیده و به دادگاههای ضد خلقی روانه

ساخت . این عمل رژیم نشاندهنده تاکتیکهای ضد کارگری دولت شاه است ـ دولت شاه برای سرکوب و ساکت کردن جنبشهای کارگری بطور همزمان به شیوه‌ٔ تهدید و امتیاز متوسل میشود .

رژیم که میداند در فضای سیاه خفقان آور دیکتاتوری ای که در ایران برقرار کرده است کارگران وقتی دست به اعتصاب میزنند که کارد به استخوانشان رسیده و حتی از سیر کردن ظاهری شکم زن و فرزند خود وامانده باشند . بدینجهت بمنظور حفظ اوضاع ، امتیازات محدودی می ـ دهد ، ولی ازطرف دیگر برای اینکه این امتیازات محدود باعث تقویت روحیه جمعی و تشکل کارگران نشود بلافاصله عده ای از رهبران اعتصاب را دستگیر و اخراج میکند تا باعث شکست روحیه‌ٔ جمعی و مبارزه جوئی کارگران شود و به این ترتیب همچنان برای تثبیت وضع موجود و تثبیت روحیه‌ٔ تسلیم طلبی در کارگران بیشرمانه تلاش میکند . این تاکتیکهای رژیم فقط با عمل متقابل یعنی پاسخ زور با زور و خشونت با خشونت شکسته خواهد شد . سازمان ما با حمایت مسلحانه از جنبشهای اعتصابی کارگران ، امید شکسته توده های تشکل نیافته را پس از هر جریان شکست خورده کارگری زنده کرده و روحیه امید و اعتماد و مبارزه جوئی را در توده ها بیدار میسازد .

سازمان ما در مرداد ماه ۵۳ با اعدام فاتح یزدی سرمایه دار خونخوار گرج که عامل قتل بیش از ۲۰ کارگر جان به لب رسیده و اعتصاب کننده بود عملا حرکت خود را در جهت حمایت از جنبشهای کارگری آغاز کرد .

ما این راه را هم چنان ادامه خواهیم داد و سعی خواهیم کرد که با تحکیم و تشبیت و گسترش سازمانمان با اتکاء بر توده های خلق بطور اعم و بر توده های کارگری بطور اخص مبارزه را به پیش برانیم و دشمن خلق را منفرد و نابود گردانیم .

شاه مزدور همگام با برنامه هائی که از سال ۴۱ در زمینه های اجتماعی ـ اقتصادی وسیاسی برای غارت منابع و نیروی کار جامعه ما توسط سرمایه داران وابسته به استعمار گران آمریکائی و انگلیسی ، انجام داده است و همگام با اعمال خفقانی سیاه در کشور و سرکوب وحشیانه هرگونه حرکت مردم ، در زمینه‌ٔ فرهنگی نیز برای تکمیل حاکمیت خود برنامه های خاصی را به مورد اجرا

www.iran-archive.com

گذاشته . هدف اساسی از این سیاست فرهنگی منحرف کردن توجه مردم ما بخصوص نیروهای جوان از مسایل سیاسی و بنیادی جامعه و سوق دادن آنان به مسائلی جزئی و پوچ است. رژیم با تمام قوا سعی می کند جوانان را که نیروهای عظیم آنان میبایست در راه دگرگونیهای اساسی و سازندگیهای بنیادی صرف شود ، به هرزگی و فساد بکشاند و در این راه از تمام امکانات و وسائل ارتباط جمعی مانند روزنامه ، مجله ، سینما و رادیو و تلویزیون بنحوی وسیع استفاده می کند . هدف اصلی این تبلیغات ایجاد روحیه فردیت گرایی در میان مردم و بخصوص جوانان است . رژیم این شعار را با تمام نیرو رواج میدهد که " اگر من نباشم بگذار دیگران هم نباشند " و با اینکار خود میخواهد همبستگیهای جمعی را تابع منافع فردی نماید . همچنین با تأکید روی خوشیهای زود گذر روزمره را غنیمت شمردن می خواهد آنان را بسوی استفاده از مواد مخدر و ترویج روابط ناسالم میان جوانان ، بکشاند . در منطقه گیلان میتوانیم تأثیر این برنامه ها را در شهرها و بخشها و حتی در روستاها هم بخوبی ببینیم . جوانان مبارز گیلان باید با هوشیاری با این فرهنگ فاسد روبرو شوند و تلاش نمایند با تمام قوا در سطح منطقه با این برنامه های ننگین شاه مقابله نمایند . آنها میتوانند با پخش اعلامیه و نشریه و افشاگری در مورد ماهیت برنامه های ضد خلقی رژیم و تأیید مبارزه مسلحانه و همچنین تلاش در جهت بالا بردن آگاهی توده مردم و تشکل آنها در مقابله با سیاستهای رژیم مزدور پهلوی به پا خیزند . سازمان ما از این مبارزات مجدانه پشتیبانی خواهد کرد . مبارزات سیاسی خلق ما پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد که علیه حکومت ملی مصدق و سایر نیروهای مترقی انجام گرفت دچار رکود عمیق شد . نیروهای پیشرو که می بایست بعد از این تاریخ در شیوه های مبارزاتی خود تغییر اساسی ایجاد می کردند همچنان روشهائی را بکار میبردند که کودتای ۲۸ مرداد شکست پذیری آن را ثابت کرده بود . بهمین سبب از ۲۸ مرداد ۳۲ تا ۱۹ بهمن ۴۹ مبارزاتی که بوسیله محافل و گروهها و سازمانهای متعدد انجام گرفت همگی با شکست مواجه گردید . رژیمی که تا دندان مسلح بود و هر گونه صدای مخالفی را با شکنجه و گلوله پاسخ

www.iran-archive.com

میداد توانست به آسانی این اشکال مبارزاتی را سرکوب کند و در عرض ۱۷ سال حکومت پلیسی اش را روز به روز استوارتر نماید و مانع تماس عناصر پیشرو با توده های زحمتکش گردد. نتیجهٔ این عوامل به بن بست کشیده شدن مبارزهٔ سیاسی در ایران بود. شکست سال ۳۲ و خیانت رهبران سازمانهای بظاهر انقلابی آن زمان در تودهٔ مردم حالت رکود و گریز از مسایل سیاسی و بی اعتمادی به عناصر پیشرو را ایجاد کرد. در چنین شرایطی بود که دشمن در این سالها، با شکنجه و زندان و اعدام مبارزین راستین و به گلوله بستن اعتراضهای حق طلبانه کارگران، دهقانان، دانشجویان و محصلین و معلمین، همراه با تبلیغات وسیع و گسترش یک فرهنگ فاسد و ارتجاعی از خود غولی شکست ناپذیر در ذهن مردم ساخت. عناصر پیشرو نیز تا سال ۴۹ عموما نتوانستند به شیوه ای نوین از مبارزه که آنان را از گردابی که در آن دست و پا میزدند بدر آورد، دست یابند. یأس و سرخوردگی از مسایل سیاسی همراه با تلف شدن نیروهای مبارز، بدون آنکه فایده ای جدی داشته باشد، توأم با اعمال دیکتاتوری و سرکوبی شدید خلق، شرایطی بود که انقلابیون راستین را بمست یافتن شیوهٔ نوین مبارزاتی هدایت کرد. این شیوهٔ نوین می بایست در جامعه فضائی سیاسی ایجاد نماید، ضربه پذیری غول را آشکار سازد و عناصر آگاه را از سرگردانی بدر آورد و در جهت جنبش نوین هدایت کند و وجود یک سازمان انقلابی را در سطح جنبش تثبیت نماید. این ها عواملی بودند که سازمان ما را بر آن داشت که برای بسیج خلق به مبارزهٔ مسلحانه روی آورد. اکنون که خفقان چند ین ساله شکسته و آسمان تاریک میهن ما با شلیک گلوله های مبارزین روشنی گرفته است، رژیم وحشت زده و سردرگم کلیه نیروهای خود را بسیج نموده و هر روز بر میزان تدارکات برنامه های سرکوب خود می افزاید. در چند سال اخیر دانشگاهها عملا به حالت تعطیل درآمده اند، اعتراضات حق طلبانه کارگران به خاک وخون کشیده میشود، در تهران و پاره ای شهرهای دیگر حکومت نظامی اعلام نشده برقرار شده است، کمیته ها با اصطلاح ضد خرابکاری با بیشرمی هر روز در خیابانها مردم را جهت بازرسی متوقف و یا اقدام به بازداشتشان مینمایند و با یورشهای

www.iran-archive.com

شبانه به امانکن مردم ماهیت ضد خلقی خود را در سطح وسیع برای توده های مردم آشکار میکنند . این فشار و خفقان روز افزون در شرایطی که موج نوین جنبش مسلحانه هر روز اقشار وسیع تری را به میدان عمل و مبارزه کشیده است تأثیری جز اعتلاء جنبش و تشدید تضادهای خلق با نیروهای سرکوب ندارد . شاه جنایتکار که سالها بر تکیه بر سر نیزه توانسته بود نفسها را در سینه حبس کند ، خوشخیالانه تصور میکند که باز هم قادر به ادامه این سکوت مرگبار است ولی اینبار هر اقدام خشونت بار دست در جهت مخالف خواست رژیم عمل میکند و مبارزه را به میان توده میکشاند . سازمان ما نیز با طرح ریزی برنامه های عملیاتی متعدد ، در صدد توده ای کردن مبارزه مسلحانه است . اعدام فاتح جنایتکار ، صاحب کارخانجات جهان‌چیت ، و اعدام شکنجه گر معروف ، سرگرد نیک طبع ، نشانه توجه سازمان ما به عملیاتی در جهت خواستهای خلق مبارز میهن ماست . هم اکنون نیز نیروهای بالفعل جامعه بویژه جوانان آزادی ـ خواه با علاقه و اشتیاق روز افزون در جهت اهداف مبارزه مسلحانه متشکل میگردند . این گرایش نوید بخش اگر با توجه به تجارب و دست آوردهای سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر انجام گیرد ، ثمره مبارزاتی فراوانی بهمراه خواهد داشت . بنظر میرسد مساله عمده برای مبارزینی که راه مبارزه مسلحانه را انتخاب مینمایند در اولین قدم برخورد با تجارب جنبش نوین وقرار گرفتن در جریان این تجارب است . این گروهها با توجه به امکانات محدود خود با کسب آمو ـ زشهای عملی میتوانند در زمینه های متعددی در مسیر مبارزه مسلحانه قدم بردارند . پخش اعلامیه های توضیحی ، افشاگری و بطور کلی هر اقدامی که بتواند در زندگی روزمره خلق تأثیری مثبت داشته و اقشار وسیع خلق را به نقش خود و مسئولیت خود در پشتیبانی از مبارزه مسلحانه آگاه سازد و عملی در جهت خواستهای صنفی و اقتصادی و روزمره توده ها باشد مورد تأیید سازمان ماست . چهار سال کار مداوم و پر تلاش ، ثمرات چشمگیری برای جنبش انقلابی میهن ما و سازمان ما به همراه داشته است . متن مبارزه مسلحانه در سطح آماده ترین نیروهای انقلابی جامعه ، بطور عمده پذیرفته شده و گروههای مترقی به اقدامات عملی دست زده اند . جنبشهای کلرگری و دانشجوئی افزایش کمی و کیفی حاصل نموده و اشکال مسالمت آمیز جای خود را به شیوه های قهر آمیز میدهد . رژیم با تمام تلاش وحشیانه خود دیگر قادر بسرکوب ونابودی سازما ـ نهای سیاسی ـ نظامی نیست . ضرباتی که بسا زمانها وارد میگردد بزودی ترمیم میشود و دستهای زیادی برای گرفتن سلاح رفقای شهید از آستین بدر آمده است و ما مرحله تثبیت مبارزه مسلحانه در سطح جامعه راپشت سر گذاشته ایم . رشد جنبش مسلحانه در رابطه با نیروهای مبارز ضربات سختی بر پیکر مخالفان متن مسلحانه وارد کرده و تلاشهای فرصت طلبانه ، محلی برای بروز و تأثیر گذاری پیدا نمیکند . سازمانهای بی عمل و فرصت طلب که سالها به تماشای اسارت خلق ما نشسته بودند در آغاز جنبش مسلحانه به تلاشهای مذبوحانه ای برای آلوده نمودن افکار نیروهای مترقی دست زدند ولی رشد جنبش در جریان عمل مشت محکمی

www.iran-archive.com

بر دهان یاوه بافان کوبیده و دست آنها را رو کرده است ، وظیفهٔ عمده ای که هم اکنون در برنامهٔ سازمان ما مطرح است ، طرح مبارزهٔ مسلحانه در میان اقشار وسیع توده های زحمتکش خلق ماست و ما با ایمان به درستی راهمان در حال حرکت در این جهت و در این مرحلهٔ مبارزه ایم . هیچ سدی قادر به جلوگیری از این حرکت ما نیست و ما تا نابودی هر گونه ستم طبقاتی در جامعه از تلاش خستگی ناپذیر خود باز نخواهیم ماند .

درود به شهدای جنبش سیاهکل

درود به تمام مبارزان آزادیخواه گیلان

مستحکم باد پیوند چریکها با مردم زحمتکش

پیروز باد مبارزات مسلحانه خلق ما

مرگ بر دستگاههای پلیسی و ارتش امریکا ، ابزارهای سرکوب دولت شاه

کوتاه باد دست سرمایه داران داخلی و خارجی از جان و مال کارگران و دهقانان گیلانی

چریکهای فدائی خلق

www.iran-archive.com